



یک پرندۀ پلیکان، در لحظه پرتاب شاتل به فضا، تصمیم به فرود می‌گیرد. فضا پیمای شاتل «کلمبیا» در تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۸۲ برای مأموریت سوم خود راه اندازی و از جزیره «مریت» در «کیپ کاناورال» ایالت فلوریدای ایالات متحده آمریکا به فضا پرتاب شد. عکس: James Long



قایق سواران در جریان برگزاری بخش نهایی مسابقه سرعت در رودخانه «کانولی» دچار سانحه شدند. این رودخانه از جمله رودخانه‌های پرخطر قایق سواری در شرق امریکاست. عکس: Enrico Ferrelli



در سال ۱۹۵۴، ارتش تبعیدی گواتمالا که توسط سیا آمریکا حمایت می‌شد، دولت چپ‌گرای «ژانکو آربنز» رئیس جمهوری این کشور را سرنگون کرد. بلافاصله پس از آن، نیروهای امنیتی که نیروی جدید جنبش نظامی جناح راست بودند، جنگی را آغاز کردند که تقریباً چهار دهه طول کشید و حدود ۲۰۰ هزار نفر کشته شدند. آدم ربایی، شکنجه، قتل عام و ایجاد رعب و وحشت در این کشور عادی شده بود. به دنبال سرکوب مخالفان در سال ۱۹۸۲، مثال آنان تخریب شد. این جنگ در سال ۱۹۹۶ با کمک سازمان ملل متحد خاتمه یافت. در گزارش این سازمان به جنایات نیروهای دولتی در جریان جنگ اشاره شده بود. منبع: Alon Reininger/Contact Press Images



از ۲۸ اکتوبر تا ۵ سپتامبر ۱۹۸۲، گروهی از زنان کمین صلح «گرین هام»، بیش از ۱۶ کیلومتر را از «کاردیف» واز به طرف «برکشایر» انگلستان، راهپیمایی کردند. این راهپیمایی اعتراض آمیز علیه تصمیم ناتو در استقرار موشک‌های کروز در پایگاه نیروی هوایی ایالات متحده انجام شد. راهپیمایان پس از ورود به «برکشایر»، یک اردوگاه صلح را در خارج از دروازه اصلی این پایگاه تأسیس کردند. پس از این اقدام کمین صلح «گرین هام» به یک سایت صلح جویانه برای اعتراضات صلح آمیز زنان تبدیل شد. به دنبال آن، موشک‌های کروز آمریکایی در مارس ۱۹۹۱ از این منطقه برداشته شد. منبع: Stuart Franklin/Corbis Sygma



در اواخر سال ۱۹۸۲، سرکوب شدید در لهستان کاهش یافت، اما «وویچخ پاروژلسکی» همچنان در طول دوران حکومت نظامی، بوسیله شورای نظامی تحت محاکمه می‌گردد. با اولین نشانه‌های تظاهرات سیاسی محدودیت‌های منع رفت و آمد بار دیگر اعمال شد. در آن سال، دیدار برنامه‌ریزی شده «پاپ ژان پل دوم» از لهستان، به دلیل ترس از اینکه میادا حضور وی باعث گسترش شورش علیه دولت این کشور شود، به تعویق افتاد. در ۱۲ نوامبر سال ۱۹۸۲ «لیخ والسا» به همراه دیگر رهبران جنبش همبستگی از زندان آزاد شدند. تصویر، دفتر روزنامه «همبستگی»، ارگان اتحادیه همبستگی لهستان و استفاده ابزاری از تصویر لنین را نشان می‌دهد. منبع: Bruno Barbey/Magnum Photos

۱۳۹۱
۱۹۸۲
یک سده، صحرانوردی، صد صفحه



عکس: Kazem Akhavan

صاحبان کلاه...

صاحبان این کلاه‌ها را می‌شناسم! آنها را از نزدیک دیده‌ام!! با آنها بیست و یک ماه زندگی کرده‌ام، از اولین روز بیست سالگی تا آخرین ماه‌های بیست و یک سالگی ام!

از دی ماه ۶۱ تا مهر ماه ۶۳ نگهبان اسرای عراقی بودم. در اردوگاه‌های متعدد طریق القدس، بخش اعظم اسرا، در عملیات آزادسازی خرمشهر اسیر شده بودند. عموماً سرباز احتیاط بودند؛ یعنی سن و سالشان کمتر از چهل و پنج سال و به اجبار صدام، روانه جنگ شده بودند.

حشمت علی فتاح، خیاط بود و صاحب تولیدی «وندی» در بغداد، محمد فرح اقبال، کارمند اداره کشاورزی خانقین بود و نوری مکی، دبیر فیزیک! نمی‌دانم صاحب کدام کلاه روی دیوارهای خونین شهر، نوشته بود: «جننی لنیقی - آمده‌ایم که بمانیم»!!

کاظم اخوان عزیز، آمدن آنها را ندیده، ولی کلاه‌هایشان را که ترجمان «نماندن» شد، دیده و برای من، شما و تاریخ به تصویر کشیده است...

ماشین سوخته، تصویر فلاکت است و تقاله توپ روی آن جیب جنگی، سند شکست! توپ رو به کجاست؟ قادسیه؟! یا یادگان حمید؟ یا عراق آن روز؟

در اردوگاه‌های اسرا، بویژه طریق القدس ۷، روزانه حدود ۳ هزار اسیر عراقی، با لباس‌های قهوه‌ای یکدست و اتیکت‌های نام و نشان خانوادگی، مثل بچه آدم، مرتب و مؤدب، منظم و هماهنگ، در افق...!

عکس و نوشتار



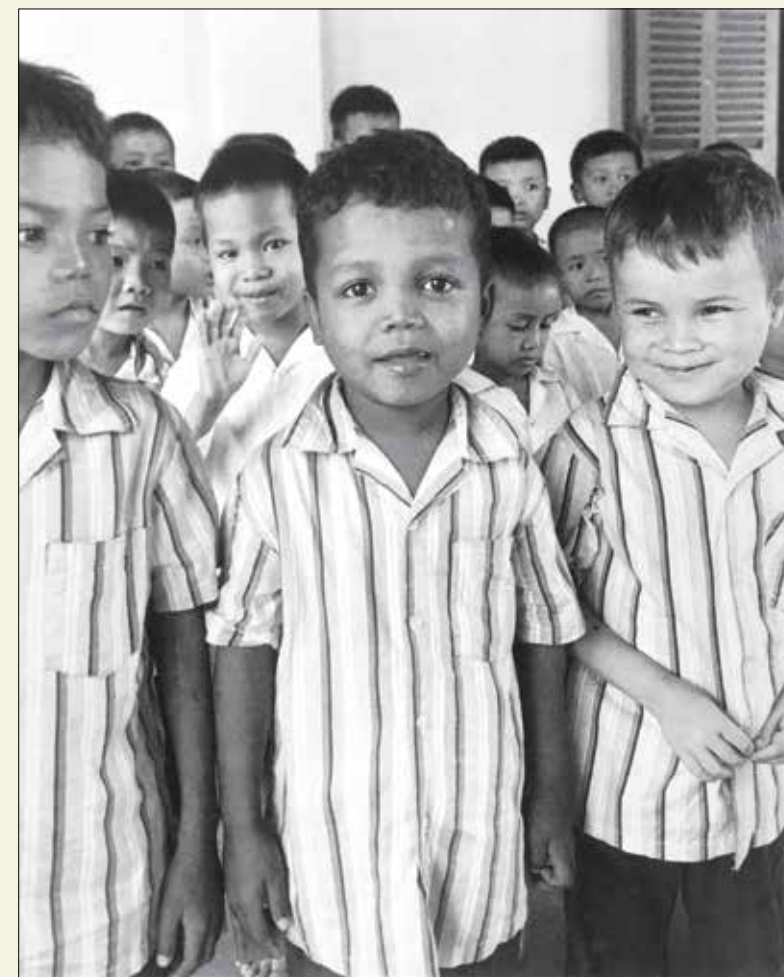
جمشید اثنی‌عشری
نویسنده و روزنامه‌نگار



بیروت، لبنان، به دنبال قتل عام فلسطینی‌ها توسط شبه نظامیان مسیحی «فالانژ» در بیروت، اجساد قربانیان در خیابان‌های اردوگاه‌های پناهندگان «صبر» و «شتیلا» این شهر پراکنده بود. قتل عام غیرنظامیان فلسطینی در این اردوگاه‌ها بین ۱۶ و ۱۸ سپتامبر سال ۱۹۸۲ در جنگ داخلی لبنان رخ داد. حدود ۱۵۰ نفر از شبه نظامیان مسیحی «فالانژ»، حداقل ۵۰۰ غیرنظامی فلسطینی را کشتند که در میان آنان، اجساد تعداد زیادی از زنان، کودکان و سالخورده‌گان مشاهده می‌شد. برآورد تعداد کل تلفات بین ۵۰۰ تا ۴ هزار نفر بوده است. شبه نظامیان مسیحی «فالانژ» که در دفاع از اسرائیل متحد شده بودند، کنترل اردوگاه‌های پناهندگان را در اختیار داشتند. عکس: Robin Moyer



نیروهای انگلیسی در ۲۵ آوریل به جزایر جورجیا جنوبی (وابسته به فاکلند) وارد شدند و این جزیره را براحتی دوباره تسخیر کردند. یک ماه بعد، تهاجم اصلی بریتانیا آغاز شد و تا اواسط ژوئن نیروهای آرژانتینی تسلیم شدند. تقریباً یک‌هزار سرباز و غیرنظامی انگلیسی و آرژانتینی در جریان این جنگ جان خود را از دست دادند. پیروزی بریتانیا در این جنگ، پیروزی بزرگی برای «مارگارت تاچر» نخست‌وزیر وقت انگلیس بود که در خواست ایالات متحده برای پایان دادن به این بحران را با مذاکره رد کرده بود. در آرژانتین نیز این شکست مستقیماً منجر به سقوط دولت پرتغالی «لئوپولدو گالتیری» در این کشور شد. تصویر، زندانیان آرژانتینی در جنگ فاکلند توسط ارتش انگلیس به اسارت در آمدند. آرژانتین انتظار داشت که تهاجم او بشدت پاسخ داده شود. منبع: Rex Features Ltd/ London



از اکتبر سال ۱۹۸۲، دولت ویتنام اجازه داد که «آمریکایی‌ها» این کشور را ترک کرده و به آمریکا بازگردند. این افراد فرزندان زنان ویتنامی بودند که حاصل ازدواج آنان با نظامیان آمریکایی بودند که در فاصله سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۵ در این کشور مستقر بودند. در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، روزنامه نگاران در بازدید از شهر «هوشی مین» در مورد وضعیت اسفبار کودکان آمریکایی در جامعه ویتنام که با گدایی زندگی خود را می‌گذراندند، گزارش تهیه کردند. دولت‌های ایالات متحده و ویتنام تا زمانی که کنگره ایالات متحده قانونی تصویب کرد که بر اساس آن این کودکان را «آمریکایی» می‌نامید، علاقه نداشتند تا این فرزندان را به رسمیت بشناسند. این قانون کودکان را به عنوان فرزندان آمریکایی تشخیص داده و برای اسکان آنان در آمریکا کمک می‌کرد. در تصویر فرزندان «آمریکایی» که بسیاری از آنان به یتیم خانه «میمو» در شهر «هوشی مین» سپرده شده اند دیده می‌شود. منبع: Corbis UK Ltd